

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



قوه قضائیه
دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

«پایان نامه دوره کارشناسی ارشد»

حقوق جزا و جرم‌شناسی

مبانی تعیین مجازات اشخاص حقوقی با رویکرد کیفرشناختی

استاد راهنما: جناب آقای دکتر جعفر حسنی

استاد مشاور: جناب آقای دکتر ناصر قاسمی

دانشجو: رضا مهرعلی تبارفیروزجاه

شهریور ۱۳۹۹

تقدیم به

ساحت مقدس بی بی دو عالم حضرت ام اییها فاطمه الزهراء سلام علیها و دو گل از گلستان امامت
حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام و حضرت صاحب الزمان علیه السلام و ولی نعمت همه ما
ایرانیان شمس الشموس حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام

و

همسر وفادارم

پدر و مادر فداکارم

اساتید مهربانم.

ت

تقدیر و تشکر:

گردآوری این پژوهش مرهون لطف و بزرگواری عزیزانی است که بی کمک های مادی و معنوی ایشان این اثر به ثمر نمی نشست. نخست باید از زحمات پدر و مادرم و پدر و مادر همسرم تشکر کنم که از هیچ لطفی برای حمایت روانی این کمترین دریغ نکردند؛ سپاس از همسر عزیزم که با عشق، وفاداری و مهربانی محیطی سرشار از امنیت و آسایش و آرامش را برای بنده فراهم آورده است تا بتوانم در کنار مشغله های کاری به امر تحصیل نیز پردازم؛ از استاد فرزانه ام جناب آقای دکتر جعفر حسنی نیز سپاسگزارم که مرا رهین منت خویش ساختند و با مطالعه و راهنمایی این اثر، پیشنهادهای ارزنده ای ارائه دادند. از استاد فرهیخته ام جناب آقای دکتر ناصر قاسمی نیز که با صبر و حوصله ی بسیار و با رویی گشاده مرا در کوچه های تاریک و بن بست رهنمون بودند، بسیار متشکرم.

چکیده

یکی از اشخاص اجتماع که از ابتدای شکل‌گیری تاریخ حقوق کیفری در خصوص اعمال یا عدم اعمال مجازات بر ایشان نظریات گوناگونی ارائه و قوانین مختلفی وضع گردید اشخاص حقوقی می‌باشند امروزه به جهت تأثیر شگرفی که اشخاص حقوقی در زندگی اجتماعی دارند وضع و تعیین مجازات مناسب در خصوص این اشخاص ضروری است که برای نیل به این هدف باید مبانی اعمال و تعیین مجازات اشخاص حقوقی را شناخت در غیر این صورت اعمال مجازات نه تنها موجب نظم و انسجام روابط نمی‌گردد بلکه خود عاملی می‌شود برای ایجاد سردرگمی برای اشخاص اجتماع و نتیجه عکس خواهد داشت.

آنچه در این پژوهش مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است بحث مبانی تعیین مجازات اشخاص حقوقی می‌باشد نه مبانی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و تلاش شده است ابعاد کیفر شناختی، ماهیت و مبانی تعیین مجازات بر اشخاص حقوقی روشن شود که این مبانی خود به دو گروه سنتی و نوین تقسیم می‌گردد. آنچه در بحث تعیین مجازات اشخاص حقوقی باید مدنظر داشت خودداری از اعمال رویکردهای نفی مدار و طرد کننده در تعیین مجازات برای اشخاص حقوقی هست چراکه اشخاص حقیقی بسیاری با اشخاص حقوقی به‌عنوان کارگر و سهامدار و سایر عناوین در ارتباط می‌باشند و اعمال مجازات‌های طرد کننده مانند انحلال و مصادره کل اموال شخص حقوقی موجب اخراج کارکنان یک شرکت، تضییع سرمایه سهامداران و... می‌شود و هرکدام از این اثرات، آسیب‌های اجتماعی متعددی در پی دارند لذا در اعمال مجازات اشخاص حقوقی باید از رویکردهای نوین و عقلانیت محور استفاده نمود تا اولاً امکان ارتکاب جرائم توسط اشخاص حقوقی کاهش یابد و در ثانی در صورت ارتکاب جرم توسط یک شخص حقوقی تا حد امکان ضرر و زیان‌های وارد شده به اشخاص جبران و ترمیم گردند. هرچند اعمال همه این رویکردها با دیدگاه‌های قانونی و قضائی سازگار نبوده است ولی این پژوهش درصدد برآمده است تا با بررسی این اصول و مبانی گام کوچکی جهت اصلاح رویکردهای فعلی قانونی در آینده بردارد و با تحلیل جامعه‌شناختی نسبت به ماهیت و کارکردهای سنتی و نوین مجازات بر اشخاص حقوقی مؤلفه‌ها و شاخصه‌های عقلانی محور برای تعیین مجازات بر این دسته از شخصیت‌های اجتماع محور ارائه نماید.

کلیدواژه: مبانی تعیین مجازات، اشخاص حقوقی، کیفرشناسی، رویکردهای کیفری عقلایی

فهرست

ح	فهرست
۱۰	مقدمه
۱۰	الف) بیان مسأله
۱۱	ب) رویکرد و اهمیت تحقیق
۱۱	پ) پیشینه تحقیق
۱۳	ت) سوالات و فرضیات تحقیق
۱۴	ث) روش تحقیق
۱۵	ج) سازمان دهی تحقیق
۱۵	بخش اول: استقلال، گونه شناسی و مبانی نظری تعیین مجازات در نظام دادگری جنایی
	فصل اول: استقلال مسئولیت کیفری از تعیین مجازات و گونه شناسی نظری مجازات اشخاص حقوقی
۱۵	مبحث اول: استقلال مبانی و اصول مسئولیت کیفری شخص حقوقی از تعیین مجازات شخص حقوقی
۱۶	گفتار اول: مبانی و اصول مسئولیت کیفری شخص حقوقی
۱۷	بند اول: مبانی مسئولیت کیفری شخص حقوقی
۱۷	الف) پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به علت منفعت اجتماعی
۱۸	۱- پاسداری از اعتماد جامعه نسبت به اشخاص حقوقی
۱۸	۲- پیشگیری از بزه‌دیدگی
۱۹	ب) عدالت فردی مبنای مسئولیت سازی کیفری برای شخص حقوقی
۲۰	۱- عدالت جنایی نسبت به بزه‌دیدگان
۲۰	۲- عدالت جامعه محور نسبت به اشخاص در شرایط مشابه
۲۱	بند دوم: اصول مسئولیت کیفری شخص حقوقی

- گفتار دوم: گستره مسئولیت اشخاص حقوقی..... ۲۲
- بند اول: ضوابط خاص حاکم بر اشخاص حقوقی حقوق خصوصی در حوزه مسئولیت کیفری ۲۲
- بند دوم: مستثنیات مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی حقوق عمومی..... ۲۳
- مبحث دوم: گونه شناسی مجازات اشخاص حقوقی..... ۲۳
- گفتار اول: مجازات های اصلی..... ۲۴
- بند اول: مجازات های سالب حقوق..... ۲۴
- ۱- انحلال..... ۲۴
- ۲- مصادره اموال..... ۲۶
- بند دوم: مجازات های تحدیدکننده حقوق..... ۲۷
- ۱- منع از یک یا چند فعالیت به صورت دائمی یا موقت..... ۲۷
- ۲- منع از اعلان عمومی برای افزایش سرمایه به صورت دائمی یا موقت..... ۲۷
- ۳- ممنوع بودن صدور برخی اسناد تجاری به صورت موقت تا ۵ سال..... ۲۸
- بند سوم: مجازات های مالی شخص حقوقی..... ۲۸
- ۱- جزای نقدی..... ۲۸
- ۲- مصادره خاص..... ۲۹
- گفتار دوم: مجازات های تکمیلی و تبعی شخص حقوقی..... ۳۱
- بند اول: اعمال مجازات های تکمیلی بر اشخاص حقوقی..... ۳۱
- ۱- انتشار حکم محکومیت قطعی شخص حقوقی به وسیله رسانه ها..... ۳۲
- ۲- توقیف وسایل ناشی از ارتکاب جرم..... ۳۴
- بند دوم: اعمال مجازات های تبعی بر اشخاص حقوقی..... ۳۴
- گفتار سوم: مجازات دیه نسبت به شخص حقوقی..... ۳۵
- فصل دوم: مبانی نظری تعیین مجازات در پرتو ماهیت فلسفی و جامعه شناختی کیفر..... ۳۷**
- مبحث اول: کارکردهای سنتی مجازات در توجیه کیفرهای نظام دادگری جنایی..... ۳۸
- گفتار اول: رویکرد فایده‌گرایی..... ۴۱

بند اول: ناتوان سازی	۴۲
بند دوم: ارباب و عبرت‌آموزی	۴۳
گفتار دوم: رویکرد سزا گرایی	۴۷
مبحث دوم: کارکرد نوین مجازات در توجیه کیفرهای نظام دادگری جنایی (عدالت‌نوسازی گریا احیاکننده)	۵۱
بخش دوم: مولفه‌ها و شاخصه‌های مبانی تعیین مجازات اشخاص حقوقی در پرتو آثار کیفرشناختی	
	۵۶
فصل اول: مولفه‌های مبانی تعیین مجازات اشخاص حقوقی در پرتو آثار کیفرشناختی	۵۷
مبحث اول: رویکرد بازپرورانه به نظام تعیین مجازات اشخاص حقوقی از منظر کیفرشناسی	۵۷
گفتار اول: مبانی کیفرشناختی بازپروری	۵۹
گفتار دوم: توجیه یا دلیل آوری برای مجازات با ابتناء بر رویکرد بازپرورانه	۶۱
گفتار سوم: آثار بازپروری بر نظام عدالت کیفری	۶۲
مبحث دوم: رویکرد عقلایی به نظام تعیین مجازات اشخاص حقوقی	۶۳
گفتار اول: کارکردگرایی ساختاری	۶۴
بند اول: هم‌نوائی با محیط	۶۵
بند دوم: وصول به اهداف اجتماع	۶۵
بند سوم: انسجام نظام اجتماعی	۶۶
بند چهارم: حفظ نظام فرهنگی	۶۶
گفتار دوم: پرهیز از تحول گرایی	۶۷
فصل دوم: شاخصه‌های مبانی نظری تعیین مجازات اشخاص حقوقی در پرتو آثار کیفرشناختی	۷۰
مبحث اول: ممانعت از سوء استفاده ذی نفعان	۷۱
گفتار اول: مفاهیم و مبانی نظری سوء استفاده از حق	۷۱
گفتار دوم: منع سوء استفاده از حق در مفاهیم قرآنی و رابطه آن با قاعده فقهی لاضرر	۷۳
گفتار سوم: معیار تشخیص و ضمانت اجرای سوء استفاده از حق	۷۴

۷۴.....	بند اول: معیار تشخیص سوءاستفاده از حق
۷۴.....	بند دوم: ضمانت اجرای سوء استفاده از حق
۷۵.....	مبحث دوم: تناسب جرم و مجازات
۷۹.....	مبحث سوم: جبران خسارت از بزه‌دیده
۸۶.....	نتیجه گیری و پیشنهاد ها
۹۰.....	منابع

مقدمه

الف) بیان مسأله

در نوشتار حاضر درصدد تشریح یکی از مهم‌ترین رویکردهای کیفرشناسی با تکیه بر نظریات جامعه‌شناسی هستیم. کیفرشناسی به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های علوم جنایی تحلیلی (تفسیری) که به تبیین، تحلیل، توجیه شیوه‌ها و راهکارهای مبارزه با پدیده‌ی بزهکارانه، نظیر بررسی چیستی و چرایی انواع کیفر، روش‌های اعمال و ارزیابی آن‌ها و بررسی سیر تحولات تاریخ کیفر و اهداف مورد انتظار آن در سطح نظری و عملی می‌پردازد از یک‌سو و رویکرد عقلایی با مبانی نظری مستحکم برای کیفرگذاری تقنینی و قضایی و اجرایی از سویی دیگر، در مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند. در این پژوهش به بیان مبانی نظری تعیین مجازات اشخاص حقوقی با تکیه بر آموزه‌های جامعه‌شناختی و علی‌الخصوص رویکرد عقلایی در حوزه‌ی ضمانت اجراها هستیم.

باوجود منابع کیفری متعدد، چه درزمینه‌ی جرم‌شناسی و چه درزمینه‌ی کیفرشناسی و باوجود تلاش‌های بسیاری از متخصصان علوم جنایی، سؤالات بی‌شماری مطرح می‌گردد که یافتن پاسخ آن‌ها آسان نبوده و نیازمند نوعی تحقیق و تفحص در حوزه انتخاب عقلانی کیفر می‌باشد. پژوهش حاضر درصدد تشریح ابعاد نظری مبانی تعیین مجازات اشخاص حقوقی عقلانی محور و اثربخش با تکیه بر مؤلفه‌ها و شاخصه‌هایی است که اکثراً ماحصل تحقیقات و نظریات جرم‌شناسی در این حوزه می‌باشد. بی‌گمان ارائه‌ی مفهومی دقیق از این رویکرد، با توجه به جدید بودن آن نیازمند اختصاص فصلی مستقل در این باب می‌باشد تا ذهن مخاطب را مَعَد یادگیری مطالب مغلق این نگرش نماید. نگارنده با طرح این مباحث کهن، نظیر کارکردهای سنتی مجازات و ماهیت و گونه‌شناسی مجازات اشخاص حقوقی در حقوق جزای مدرن از یک‌سو، سعی در روزآمد کردن این اصول با مبانی نظری رویکرد عقلایی را دارد و از سویی دیگر، به دنبال ارائه‌ی تأثیر شگرف آموزه‌های عقلانیت محوری بر این اصول و کارکردها است.

نویسنده با این انگیزه که مطالعات بین‌رشته‌ای، به دلیل نگاه دوسویه و برداشتی متفاوت از منابع موجود، می‌تواند در این حوزه مفید به‌فایده باشد، پا درزمینه‌ی جامعه‌شناسی خواهد گذاشت و امیدوار است در شاهراه‌های خطرناک آن دچار حادثه نگردد و به‌سلامت عبور نماید. هدف نویسنده آن است که با نگاهی که از نگرش جرم‌شناسانه‌ی او نشأت می‌گیرد، مبانی نظریِ رویکرد عقلانیت محوری را در پهنه‌ی نظام ضمانت اجراهای کیفری کشف و تشریح نماید.

ب) رویکرد و اهمیت تحقیق

افزایش روزافزون میزان بزهکاری در لوای اشخاص حقوقی و محدودیت‌هایی که نظام جزایی برای اعمال مجازات‌های رسمی جهت پیشگیری از وقوع جرم و درمان بزهکاران، با آن رو به روست، موجب شده است برنامه ریزان عدالت کیفری انتخاب‌های متعددی را پیش روی خود قرار دهند؛ برخی بر به کارگیری ابزارهای سرکوب‌کننده و اعمال قدرت، از سوی حکومت تاکید داشته و برخی نیز با استفاده از اقدامات عوام‌گرایانه در پی ارائه پاسخی موقتی به مطالبات عمومی هستند و کمتر به بهره‌گیری از راهکارهای علمی گرایش دارند. النهایه گروه دیگر ضمن قبول موانعی که در واکنش‌های رسمی نظام جزایی وجود دارد بر طرح‌ریزی یک راهکار علمی جدید، با تمرکز بر بهبود نظام عدالت کیفری و رفع موانع موجود، تاکید دارند.

نظریاتی که در کیفرشناسی مطرح است، بدون بررسی جنبه‌های جامعه‌شناختی و علی‌الخصوص از منظر عقلانیت محوری، در مواردی قابلیت اثرگذاری مناسب را ندارد. این امر، هر محققى را به بررسی پیوند عمیق مباحث کیفرشناسی با نظریه‌ی انتخاب عقلانی جامعه‌شناسی وادار می‌نماید که گریز از آن جز خسران نتیجه‌ای دربر ندارد. در این پژوهش اشاره‌ی مستقیمی به این بحث نخواهد شد؛ اما به این مهم می‌پردازیم که توسل به مبانی تعیین مجازات و ضمانت اجراهای کیفری اشخاص حقوقی در پاسخ به عمل بزهکارانه، بدون توجه به گزاره‌های عقلانیت محوری آن مقدور نیست.

پ) پیشینه تحقیق

هرچند در ابتدای مطالعات و مقدمات کیفرشناسی، به نظام ضمانت اجراهای کیفری اشخاص حقوقی پرداخته می‌شود؛ اما بیشتر از اینکه حول محور مباحثی باشد که مبین مبنای علمی کیفر در حوزه‌ی عمل و اثر باشد، به تبیین اهداف خشونت‌بار کیفر و ارائه‌ی کیفرهایی نوین در برخورد با پدیده‌ی بزهکارانه می‌پردازد. یکی از دلایل مغفول ماندن مبانی عقلانی تعیین مجازات اشخاص حقوقی، غُربت این مفهوم در علوم جنایی ایران است. به نحوی که می‌توان ادبیات جرم‌شناسی در این خصوص را «بسیار ناچیز» دانست. کیفرهای تقنینی، در مرحله‌ی وضع و اجرا نمی‌توانند از عهده‌ی وظایف و کارکردهای متعالی برآیند، مگر آنکه بر پایه‌ی اصول و مبانی شناخته‌شده برای کیفر پیش روند. انکار این اصل به معنای نادیده گرفتن بسیاری از اصول و تنزل حقوق کیفری به مرحله‌ی حقوق تضمین‌گر و ژاندارم دیگر رشته‌هاست. بحث مهمی مانند رویکرد عقلایی به مبانی تعیین مجازات اشخاص حقوقی نیازمند پی‌ریزی و ترسیم بنیان‌های صحیح آن است تا علاوه بر مبانی اولیه که تمایز کیفرشناسی و رویکرد عقلایی را بیان می‌کند، از مفاهیم مشابه نیز به صورت بنیادی متمایز شود و آثار بعدی آن بر اساس مبنای تخصصی به دست آید. نظر به مجموع توضیحات صورت گرفته و با توجه به محدودیت بیش از حد در خصوص منابع مرتبط با رویکرد عقلایی، به نظر می‌رسد ادبیات تحقیق را در این خصوص می‌توان به دو حوزه‌ی داخلی و خارجی تقسیم نمود:

(۱) در حقوق کامن‌لا برای اعمال مفاهیم رویکرد عقلایی در کیفرشناسی و تبیین مجازات‌ها تلاش‌هایی صورت گرفته است؛ اما در مجموع، ادبیاتی که مبین مبانی نظری و تقویت اصول و کارکردهای ناظر بر مجازات در پرتو رویکرد عقلایی از یک سو و تشریح موارد عدول از شاخصه‌های رویکرد عقلایی از سوی دیگر باشد دیده نشده است، و تنها در برخی از مقالات از نظریه‌ی انتخاب عقلانی و حواشی آن قلم‌زده‌اند.

(۲) در حقوق ایران، تنها اثری را که می‌تواند مبین مبانی مستقل رویکرد عقلایی نسبت به کیفرشناسی دانست، مقاله‌ای تحت عنوان «رویکرد عقلایی به نظام ضمانت اجراهای کیفری در ایران» است که

برای اولین بار به تفصیل درصدد بیان رویکردهای عقلانیت محور کیفری برای تعیین مجازات هایی اثربخش پرداخته است؛ اما مفهوم، مبنا و آثار آن در مقایسه با مبانی تعیین مجازات اشخاص حقوقی دارای تفاوت هایی بنیادین است.

ت) سوالات و فرضیات تحقیق

موضوعات مورد نظر در تحقیق حاضر، می تواند در قالب یک سوال اصلی و دو سوال فرعی زیر بیان شود:

سوال اصلی:

از منظر کیفرشناختی، مبانی تعیین مجازات اشخاص حقوقی و اصول حاکم بر آن تا چه میزان با ماهیت فلسفی و جامعه شناختی کیفر بر اشخاص حقوقی سازگار است؟

سوالات فرعی:

۱- سیاست جنایی تقنینی جمهوری اسلامی ایران تا چه میزان از یافته های نوین علوم جنایی در برخورد با پدیده جنایی اشخاص حقوقی بهره برده است؟

۲- ابتناء بر مبانی نظری نوین در پهنه کیفرشناسی (علوم جنایی) چه آثار بنیادینی را در تعیین مجازات اشخاص حقوقی بر جای می گذارد؟

با توجه به سوالات پژوهش حاضر، فرضیات آن ها را می توان در قالب گزاره های زیر بیان نمود:

فرضیه اصلی تحقیق:

به نظر می رسد مبنای تعیین مجازات اشخاص حقوقی و اصول حاکم بر آن در قانون مجازات اسلامی با ماهیت جامعه شناختی و فلسفی کیفر اشخاص حقوقی منطبق نمی باشد .

فرضیه های فرعی تحقیق:

۱- به نظر می‌رسد نظام تقنینی ایران در آخرین اراده خود، با نوعی رجوع به گذشته در اعمال مجازات ها به یافته های نوین علوم جنایی؛ از قبیل عدالت نوسازی گر، رویکرد های عقلانیت محور و توجه ننموده است .

۲- به نظر می‌رسد توجه و تأکید بر مبانی نظریه مندی، نظیر رویکردهای عقلانیت محور به کیفر، عدالت نوسازی گر و رویکردهای بازپرورانه، علی رغم اثربخشی ضمانت اجراهای کیفری بر اشخاص حقوقی، موجبات پیشگیری از برچسب زنی، سلب اعتبار شخص حقوقی، جبران ضرر و زیان بزه دیده و... را به ارمغان آورد.

ث) روش تحقیق

روش تحقیق به طور عمده حالت تحلیلی-توصیفی دارد که با ابتناء بر نظریات متعدد دکترین و از طریق بررسی های کتابخانه ای به آن دسترسی حاصل گردید. هم چنین با بررسی بر خی آراء قضایی که با بحث قرابت دارد، سعی در ملموس نمودن مطالب شده است.

ج) سازمان دهی تحقیق

مطالب در دو بخش بررسی می‌گردد: استقلال، گونه شناسی و مبانی نظری تعیین مجازات در نظام دادگری جنایی؛ بخش اول به دو فصل تقسیم می‌گردد، در فصل اول تفاوت و مستقل بودن مفهوم مسئولیت جزائی اشخاص حقوقی از مفهوم مجازات و هم چنین انواع گونه های مجازات اشخاص حقوقی بحث می‌گردد و در فصل دوم به بررسی مبانی نظری تعیین مجازات در پرتو ماهیت فلسفی و جامعه شناختی کیفر می‌پردازیم. در بخش دوم، مولفه ها و شاخصه های مبانی تعیین مجازات اشخاص حقوقی در پرتو آثار کیفرشناختی آن را بررسی می‌کنیم. مطالب این بخش را با دو فصل پیش می‌بریم. در فصل اول از مولفه های مبانی تعیین مجازات اشخاص حقوقی در پرتو آثار کیفرشناختی و در فصل دوم از شاخصه های مبانی تعیین مجازات اشخاص حقوقی در پرتو آثار کیفرشناختی توضیحاتی به تفصیل ارائه خواهد گردید.

بخش اول: استقلال، گونه شناسی و مبانی نظری تعیین مجازات در نظام دادگری جنایی

کیفرشناسی به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های علوم جنایی تحلیلی (تفسیری) به تبیین، تحلیل، توجیه شیوه‌ها و راهکارهای مبارزه با پدیده‌ی بزهکارانه، نظیر بررسی چیستی و چرایی انواع کیفر، روش‌های اعمال و ارزیابی آن‌ها و بررسی سیر تحولات تاریخ کیفر و اهداف مورد انتظار آن در سطح نظری و عملی می‌پردازد. صحبت از ضمانت اجراهای کیفری، گونه‌شناسی مجازات‌ها و مباحثی از این قسم، رویکردی نوین در پهنه کیفرشناسی به شمار نمی‌رود، لیکن تحلیل مبانی کیفر و ارائه راهکارهای نوین برخورد متناسب با جرائم همواره از موضوعات مبتلابه بوده که ذهن اندیشمندان علوم جنایی را به خود مصروف داشته است. در همین راستا، در پژوهش حاضر درصدد ارائه تحلیلی نوین در خصوص استقلال ضمانت اجراهای کیفری از مسئولیت کیفری نسبت به اشخاص حقوقی از یک سو و ارائه گونه شناسی مجازات این اشخاص و مبانی نظری تعیین مجازات بر این اشخاص از سویی دیگر برآمده ایم. با این رویکرد مطالب ارائه شده در این بخش، ذیل دو فصل تشریح می‌گردد؛ بدین توضیح که در فصل اول به نحو مبسوط به بیان مبانی تمایز و استقلال مسئولیت کیفری از نظام تعیین مجازات و گونه‌شناسی انواع مجازات ناظر بر اشخاص حقوقی می‌پردازیم و در فصل دوم مبانی نظری تعیین مجازات در پرتو ماهیت فلسفی و جامعه‌شناختی کیفر پرداخته می‌شود تا بدین سان در بخش دوم با ابتناء بر مطالب بنیادین بخش اول به تحلیل مبانی نظری مجازات و آثار آن بر اشخاص حقوقی بپردازیم.

فصل اول: استقلال مسئولیت کیفری از تعیین مجازات و گونه شناسی نظری مجازات اشخاص حقوقی

سخن از استقلال مسئولیت کیفری از نظام تعیین مجازات، رویکردی نوین در عرصه تحلیل مفهومی به شمار می‌رود که طرح آن بدین جهت خالی از حکم نمی‌باشد که موجبات تمییز را به ارمغان می‌آورد و از این حیث سبب می‌شود تا نگارنده و مخاطب را از ورود به مبادی و مبانی مسئولیت کیفری بازدارد. به

واقع مسئولیت کیفری عبارت است از قابلیت توجه اتهام و تحمیل کیفر به شخصی که با وصف عقل، بلوغ اختیار و قصد مرتکب جرم گردیده است؛ حال آنکه تعیین مجازات و ضمانت اجرا ناظر بر حالتی است که مجرمیت فرد اثبات گردیده است. بدین منظور در این قسمت ضمن بررسی جهات استقلال مسئولیت کیفری از نظام تعیین مجازات به بررسی گونه شناسی ضمانت اجراهای جرائم اشخاص حقوقی می‌پردازیم.

مبحث اول: استقلال مبانی و اصول مسئولیت کیفری شخص حقوقی از تعیین مجازات شخص

حقوقی

جامعه بشری از دیرباز تاکنون برخورد یکسانی با بزهکاران متفاوت نداشته و نوع واکنش کیفری نسبت به این افراد متناسب با پیشرفت دانش بشری متفاوت بوده است. دیرباز، بیماران روانی را مسخر ارواح می‌پنداشتند و آنها را سوار بر کشتی‌هایی روانه دریاها می‌کردند تا به دنبال گوهر عقل باشند، اما امروزه در برخی جوامع عقیده چنین است که اختلالات روانی، نافی جرم هستند نه رافع مسئولیت کیفری. با این حال، دامنه رفتار بزهکارانه و مسئولیت کیفری ناشی از آن روز به روز گسترده‌تر می‌شود و نظام‌های سیاست جنایی برای تامین مصالح جمعی و عمومی قوانین و مقررات را به گونه‌ای تدوین، تفسیر و اجرا کرده‌اند که ابزار تدافعی و بازدارنده‌ای به منظور مبارزه با مخاطرات وجود داشته باشد. با این حال این مسأله با موضوع ضمانت اجراهای کیفری تفاوتی بسیار دارد که نیازمند تحلیلی مبسوط در این حوزه می‌باشد. در همین راستا، از جمله ویژگی‌های خاص قانون مجازات اسلامی جدید که مصوب سال ۹۲ می‌باشد، موضوع پذیرش مسئولیت برای شخص حقوقی توسط قانون‌گذار است. تاثیری که اشخاص حقوقی در دنیای نوین امروز دارند و هم‌چنین میزان تاثیر رفتارهای مجرمانه ارتكابی از سوی اشخاص حقوقی موجب شد تا مقنن به تبعیت از بسیاری از نظام‌های حقوقی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را بپذیرد. علی‌کل حال، در ادامه به تحلیل ماهوی مبانی و اصول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی می‌پردازیم تا بدین سان وجوه تمایز و استقلال آن از نظام تعیین مجازات روشن گردد.

گفتار اول: مبانی و اصول مسئولیت کیفری شخص حقوقی

اگر مسئولیت کیفری را مبتنی بر شرایطی بدانیم که ناظر بر اعمال مجازات انسان ذی‌شعور است، بدون شک مقوله مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی که نه روحی برای شرارت دارند و نه جسمی برای حبس نمودن، با چالشی مواجه است که نیازمند ارائه تحلیلی مستقل و توجیهی منطقی است. در حال حاضر با توجه به قانون‌گذاری در خصوص مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، تشریح مبانی و اصول مسئولیت کیفری این اشخاص در این قسمت به منظور مفهوم‌شناسی آن و تمیز آن از نظام ضمانت اجراهای کیفری اشخاص حقوقی خالی از فایده نخواهد بود.

بند اول: مبانی مسئولیت کیفری شخص حقوقی

اگر قائل بر این موضوع باشیم که مقنن در اتخاذ سیاست‌های خود اغلب متأثر از دلایل عقلی و قواعد مبتنی بر انصاف است، دلایل و توجیهات منطقی متفاوتی را می‌توان برای تصمیمات سیاست جنایی تقنینی در نظر گرفت. با این حال در بحث مبانی مسئولیت کیفری شخص حقوقی، عمده دلایل را می‌توان در ذیل دو عنوان مهم دسته بندی نمود: ۱- مبانی ناظر بر نفع اجتماعی و ۲- مبانی ناظر بر عدالت فردی. در ادامه به تفصیل در خصوص مبانی ارائه شده بحث خواهد شد.

الف) پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به علت منفعت اجتماعی

فایده و منفعت اجتماعی همواره یکی از مبانی بنیادین و مورد تدقیق حقوق کیفری در تعقیب و مجازات بزهکاران است. به واقع تعقیب و مجازات بزهکاران تنها بدین خاطر قابل توجیه است که منافع جامعه اقتضای آن را دارد که با ارائه یک پاسخ رسمی کیفری در مقابل مجرمین بیاستیم^۱ که حتی ممکن است با موازین اخلاقی و سزاگرایی عادلانه همخوانی نداشته و مورد توجه قرار نگیرد. به بیان دیگر آنچه که مورد اهمیت است برآوردن نفع اجتماعی و حمایت از مصالحی است که اجتماع برای خود تدارک دیده است. با این مقدمه می‌توان قائل بر آن بود که توجیه نفع اجتماعی تنها ناظر بر اشخاص حقیقی نیست و اشخاص

^۱-بکاریا، سزار؛ رساله جرائم و مجازات‌ها؛ برگردان محمدعلی اردبیلی؛ ج ۴، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۰، صص ۳۱ و ۳۲.

حقوقی را نیز در برمی گردد؛ چراکه اولاً- شخص حقوقی به دلیل اعتمادی که در جامعه بشری از سوی مردم کسب می کند بیش از شخص حقیقی تأثیراتی را بر جامعه و افراد می گذارد. در همین راستا مقتضی است که در صورت ارتکاب جرم توسط این اشخاص، واکنشی متناسب توسط سیاست جنایی اتخاذ گردد تا از آثار ارتکاب جرم توسط ایشان در آینده کاسته شود. ثانیاً- از آنجایی که افراد کثیری با اشخاص حقوقی سروکار دارند، این خطر وجود دارد که در صورت فاصله گرفتن اشخاص حقوقی از ساز و کار های قانونی تعداد بیش تری از افراد اجتماع بزه دیده واقع شوند^۱. در همین راستا، نفع اجتماعی به عنوان یکی از مبانی مسئولیت کیفری شخص حقوقی با این دو زیرمجموعه مورد بررسی قرار می گیرد:

۱- پاسداری از اعتماد جامعه نسبت به اشخاص حقوقی

برخی از جرائمی که توسط اشخاص حقوقی مستقیماً اعتماد عمومی را مورد آسیب قرار می دهد، موجب می شود که جامعه نسبت به سایر اشخاص حقوقی که فعالیت های مشابهی را انجام می دهند بی اعتماد شود و در مقابل ارتکاب برخی جرائم توسط اشخاص حقوقی تأثیر منفی زیادی بر اعتماد اجتماعی ندارد. در خصوص جرائم دسته نخست که موجبات سلب اعتماد عمومی را فراهم می آورد، شاهد واکنش سریع نسبت به عملکرد اشخاص حقوقی هستیم، اما در خصوص دسته دوم نمی توان به آسانی به اظهار عقیده پرداخت. به واقع سلب اعتماد عمومی به اشخاص حقوقی آثار مخربی در بر دارد که نمی توان از آن چشم پوشی نمود. بنابراین، یکی از مبانی مهم پیش بینی مسئولیت کیفری شخص حقوقی، حراست از اعتماد اجتماعی به این اشخاص می باشد تا در پی آن تمایل به سرمایه گذاری و شرکت در انجام طرح های اقتصادی و اجتماعی بیش تر شود.^۲

^۱- نجفی ابرندآبادی، علی حسن؛ تقریرات جرم شناسی: جرم شناسی بزهکاری اقتصادی؛ ویراست ۶، ۱۳۸۵، صص ۲۲۳۰ و ۲۲۳۱.

^۲- جعفری، مجتبی؛ مبانی و اصول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی ایران؛ پژوهشنامه حقوق کیفری، ش ۲، ص ۷، ۱۳۹۵، صص ۱۳ و ۱۴.

۲- پیشگیری از بزه‌دیدگی

یکی از معیارهای تقسیم بندی جرائم در جرم‌شناسی، قربانی جرم یا بزه‌دیده است. بدین توضیح که زیان‌دیده از جرم ملاکی برای دسته بندی و جداسازی جرائم از یکدیگر است. در جرائم ارتكابی از سوی اشخاص حقوقی، همانند جرائم صورت گرفته از سوی اشخاص حقیقی، بزه‌دیده و قربانی یکی از ارکان تحقق جرم است؛ اما نکته قابل تأمل آن است که تعداد بزه‌دیدگان جرائم ارتكابی از سوی اشخاص حقوقی نسبت به اشخاص حقیقی بسیار بیشتر است^۱. در این گونه جرائم با یک شخص به عنوان شاکی مواجه نیستیم بلکه همه مردم یا اکثر مردم بزه‌دیده هستند و در اثر رفتار مجرمانه شخص حقوقی بدان‌ها آسیب وارد گردیده است. در همین راستا و با توجه به اینکه از رفتار شخص حقوقی تعداد کثیری از مردم بزه‌دیده واقع می‌شوند و اعتماد عمومی نسبت به بخش حقوقی خصوصی و دولتی سلب می‌گردد، سیاست جنایی اقتضای آن را دارد تا نسبت به برخورد پیشگیرانه متناسب بسترسازی و قانون‌گذاری نماید. با همین رویکرد است جرائم و مجازات‌هایی که در قلمرو فعالیت‌های اشخاص حقوقی به عنوان قانون‌گذاران کیفری مصوب می‌شود با در نظر گرفتن این ویژگی و با هدف کاستن از تعداد بزه‌دیدگان طرح‌ریزی شده‌اند^۲. بنابراین منفعت اجتماعی درگرو آن است که علاوه بر افزایش اعتماد اجتماعی نسبت به اشخاص حقوقی، از بزه‌دیده واقع شدن افراد دیگر در اثر جرائم ارتكابی این اشخاص جلوگیری کنیم.

ب) عدالت فردی مبنای مسئولیت‌سازی کیفری برای شخص حقوقی

برطبق این نظر عدالت اقتضای آن دارد که بزهدکار نتیجه عمل مجرمانه خود را ببیند؛ در غیر این صورت بین افرادی که به قانون پایبند می‌باشند با کسانی که ارزش‌های اجتماعی و قانونی را نقض می‌کنند فرقی

^۱-موید این امر آمار نگران‌کننده حوادث و فجایعی است که در کشورهای مختلف روی داده است. به عنوان مثال می‌توان به مسأله خون‌های آلوده اشاره کرد که تقصیر سازمان انتقال خون به عنوان یک شخص حقوقی در آن روشن بود اما به دلیل عدم پذیرش مسئولیت کیفری شخص حقوقی در آن زمان سازمان مذکور با منع تعقیب روبه‌رو شد. ر.ک: شریفی، محسن؛ مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و انگلستان؛ رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ۱۳۹۳، ص ۲۲۱.

^۲- جعفری، مجتبی؛ مبانی و اصول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی ایران؛ ص ۱۶.

وجود نخواهد داشت. بنابراین ضروری است تدابیری اندیشیده شود تا بدین سان هم هنجارهای اجتماعی از ضد هنجارها برای همگان بازشناخته شود و هم اینکه هرگونه نقض ارزش‌ها و هنجارها با پاسخی متناسب مواجه شود. در این راستا، در عین حال که مبنای عدالت در پیش بینی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ارتباط با یکدیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد، در ارتباط اشخاص حقوقی با اشخاص حقیقی نیز بررسی شود. تا بدین طریق مبنای عدالت مدنظر قانون‌گذار در این خصوص کشف گردد و استنباط گردد که مقنن با در نظر گرفتن مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی در پی اجرای چه نوع عدالتی بوده است. بدین منظور در ادامه و در راستای توضیحات فوق‌الذکر در خصوص عدالت کیفری نسبت به بزه‌دیدگان و عدالت اجتماعی نسبت به هم‌نوعان توضیحاتی به تفصیل ارائه خواهد شد:

۱- عدالت جنایی نسبت به بزه‌دیدگان

در دادرسی کیفری هدف نهایی و اصلی اجرای عدالت است و در همین راستا جرم‌انگاری و تعیین مجازات براساس موازین حقوقی و جرم‌شناسی برای اشخاص حقوقی که با انجام رفتارهای غیرقانونی منافع اجتماعی را به خطر می‌اندازند اهمیت زیادی دارد. با در نظر گرفتن این فرضیه که تعداد زیادی از افراد جامعه ممکن است در معرض رفتارهای مجرمانه اشخاص حقوقی قرار داشته باشند، اجرای عدالت نسبت به بزه‌دیدگان احتمالی و واقعی برای حفظ منافع اجتماعی ضرورت دارد که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را می‌توان براساس این مبنا بررسی نمود.

۲- عدالت جامعه محور نسبت به اشخاص در شرایط مشابه

شرائطی که در روابط بین اشخاص حقوقی بایکدیگر وجود دارد و هم‌چنین حاکمیت فضای رقابت بین آن‌ها اقتضا دارد که از اشخاصی که در قالب ارزش‌های جامعه و در مسیر قانون فعالیت می‌کنند پشتیبانی شود. این پشتیبانی از دو طریق ممکن است برقرار شود: ۱- خودداری از وضع مقررات سخت و بدون تسامح که همانند یک سد در برابر فعالیت اشخاص حقوقی است تا حد امکان، به عنوان مثال با قانون‌گذاری و تعیین جرائم و مجازات‌های ناظر بر اشخاص حقوقی، به این اشخاص اعلام نماییم که از انجام چه رفتارهایی منع شده‌اند و چه رفتارهای را مجازاند انجام دهند. به واقع اصل قانونی بودن جرائم و